

کراتیلوس (اشتقاق واژه ها)

موضوع این رساله درباره ی واژه ها و چگونگی اشتقاق آنهاست و در واقع این رساله یکی از نخستین گام هایی است که در زبان شناسی برداشته شده است .

هرموگنس و کراتیلوس با هم گفتگو کرده و بر سر نام درست هر چیز با هم توافق ندارند، پس این سوال را از سقراط می پرسند .

کراتیلوس مدعی است که نام درست هر چیز ، نامی است که طبیعت به آن داده ، نه نامی که گروهی از مردمان با توافق یکدیگر در زبان خود بر آنها نهاده اند .

سقراط : اگر خطابه ی پنجاه درهمی پرودیکوس را شنیده بودم سریع می توانستم بگویم زیرا پرودیکوس می گفت هرکس آن خطابه را بشنود در این باره هیچ نکته ای بر او پوشیده نخواهد ماند . من آن را شنیده ام بلکه خطابه ی یک درهمی او را شنیده ام . ولی آماده ام این موضوع را به همراهی تو و کراتیلوس بررسی کنم .

هرموگنس : نامی که به چیزها می دهیم توافقی و قراردادی است مثل نامی که برای برده هایمان می گذاریم .

سقراط : پس آیا نام هر چیز که به آنها می دهیم نام درست هر چیز است ؟

هرموگنس : بله

سقراط : پس اگر همه ی مردم را " اسب " بنامم و اسب را " انسان " در آن صورت نام درست آن برای دیگران انسان و برای من اسب خواهد بود ؟

هرموگنس : بله

سقراط : مثال دیگری می زنم . گفتار درست غیر از گفتار نادرست است ؟

هرموگنس : آری

سقراط : آیا گفتار درست چنان گفتاری است که تمامش درست و اجزایش نادرست است ؟

هرموگنس : به عقیده ی من همه ی اجزایش درست است .

سقراط : گفتار جزئی کوچک تر از واژه دارد ؟

هرموگنس: نه ، واژه کوچک ترین جزء گفتار است .

سقراط : در گفتار درست واژه ها نیز به زبان آورده می شوند ؟

هرموگنس : آری

سقراط : پس هم چنانکه گفتاری درست است و گفتاری نادرست ، واژه ای نیز ممکن است درست باشد یا نادرست ؟

هرموگنس : آری

سقراط : اگر به چیزی چند نام بدهند همه ی آنها درست است ؟

هرموگنس : بله ، مثل اینکه در زبان های مختلف یک چیز نامهای مختلف دارد .

سقراط : هنگام نامیدن چیزها باید طبیعت آنها را در نظر بگیریم و وسایلی که با طبیعت آنها سازگارند به کار ببریم و گرنه عمل " نامیدن " را درست انجام نخواهیم داد .

هرموگنس : تصدیق می کنم .

سقراط : برای انجام هر کاری وسیله ی خاص آن را می خواهیم .

هرموگنس : البته

سقراط : واژه هم وسیله ای است برای خیر دادن و جدا کردن ماهیتها از یکدیگر . همانطور که دستگاه بافندگی وسیله ای است برای جدا کردن تارها و بافتن .

هرموگنس : آری

سقراط : بافنده هنگامی از دستگاه بافندگی درست استفاده می کند که قواعد فن بافندگی را بداند. سخن گو نیز واژه را هنگامی درست به کار می برد که از قاعده ی فن سخن گفتن پیروی نماید .

هرموگنس: آری

سقراط : آیا سخن گو هم هنگام سخن گفتن حاصل فن قانون گذار را بکار می برد ؟

هرموگنس : ظاهرا چنین است .

سقراط : پس هرموگنس معلوم می شود ساختن واژه کار هر کس نیست ، بلکه تنها کار واژه ساز است و واژه ساز قانون گذاری است که به ندرت در میان آدمیان پیدا می شود .

هرموگنس : ظاهرا

سقراط : قانون گذار اگر بخواهد واژه ای درست بسازد باید خصائص طبیعی واژه را صداها و هجاها قرار دهد و در این کار از صورت اصلی واژه راستین پیروی کند و همه ی واژه ها را به تقلید از آن ایده بسازد . کراتیلوس هم حق دارد بگوید نامهای اشیاء ناشی از طبیعت آنهاست .

هرموگنس : درباره ی درستی طبیعی واژه ها همان گونه که ادعا کردی بیشتر برایم توضیح بده .

سقراط : شاید فراموش کردی که گفتم من در این باره هیچ نمی دانم و قرار شد با بررسی هم به این نکته دست یابیم . ولی حالا با هم دریافته ایم که درستی هر واژه در طبیعت آن نهفته است و ساختن واژه کار هر کس نیست و به نظر بهتر است از سوفیست ها کمک بگیریم .

هرموگنس : من به طور کلی منکر حقیقت پروتاگوراس هستم . چگونه از آنان کمک بگیرم ؟

سقراط : از مکتب هومر و شاعران دیگر کمک بگیر . هومر در شعری نام آن کودک را آستیاناکس می نامد چون تنها او بود که از شهر و حصار آن پاسداری می کرد . پس نام آستیاناکس برای او بهتر است یعنی خداوندگار شهر .

هرموگنس : اکنون می فهمم .

سقراط از مثالهای مختلفی برای اینکه اسم هر واژه از طبیعت آن گرفته شده است می آورد و کاملا توضیح می هد.

سپس می گوید اگر موافق باشی یک سوفیست یا یک کاهن پیدا کنیم که در تطهیر روح ماهر باشد به یاری او روح خود را از آن معرفت پاک خواهیم ساخت

هرموگنس : موافقم

سقراط : گفتیم که نام ها را به چیزها بر حسب اتفاق نداده اند بلکه در هر یک معنایی نهفته که بیان کننده خصائص طبیعی و روحی مسمی است . ولی می ترسم نام های آدمیان و قهرمانان را به اشتباه افکنند بسا افرادی هستند که درخور نامی که دارند نیستند . پس این گونه نام ها را کنار می نهیم و روی به نام هایی می آوریم که ذات ابدی را با آنها می خوانند .

هرموگنس : گمان می کنم حق با توست .

سقراط نامهای گوناگون را مثال زده و معانی آنها را باز می کند . واژه را باز می کند و هر جزء را معنی میکند .

همین طور هرموگنس واژه های مختلفی را بیان می کند و از سقراط میخواهد تا آن را معنی کند . سقراط هم همین گونه همه ی واژه ها را باز کرده و معنی می کند .

سقراط می گوید بعضی واژه ها از بعضی دیگر مشتق شده اند ، بعضی نامها را خدایان و بعضی را آدمیان گذارده اند .

در جایی دیگر هرموگنس از سقراط می خواهد فصل و سال را توجیه کند .

سقراط می گوید : فصل یعنی جدایی زیرا فصل ها مرزهایی میان زمستان و تابستان و بادهای و هنگام رسیدن میوه ها هستند . سال را نیز بدان جهت چنان نامیده اند که هر رستنی را به هنگام خود از زمین برمی آورد .

همچنین هرموگنس از سقراط می خواهد اندیشه - دانایی و عدالت را معنی کند .

سقراط می گوید : اندیشه به معنی جنبش و ادراک جریان است . دانایی یعنی با هم دریافتن است . عدالت هم یعنی بازشناختن عدل .

سقراط در جایی دیگر می گوید : واژه نیز تقلید چیزی است به وسیله ی صدا ، یعنی سخن گو با صدا چیزی را که می خواهد بیان نماید تقلید می کند و بدین سان به آن چیز نامی می دهد .

از اینجای گفتگو هرموگنس از کراتیلوس می خواهد وارد بحث شود .

هرموگنس : کراتیلوس به سقراط بگو آیا با گفته های او درباره ی واژه ها موافقی ؟

کراتیلوس : هرموگنس گمان می بری آدمی بدین زودی می تواند مطلبی را هر چه باشد ، یاد بگیرد یا آن را به دیگری بیاموزد ، چه رسد مطلب به این دشواری ؟

هرموگنس : ولی کم کم به پیشرفت بحث ما کمک کن .

سقراط : کراتیلوس اگر بتوانی درباره ی درستی واژه ها سخن بهتری بگویی من از شاگردان تو خواهم شد .

سقراط : بیان مطلب هنر است .

کراتیلوس : بی گمان

سقراط : استادان این هنر چه کسانی هستند ؟

کراتیلوس : همان قانون گذاران که ابتدای بحث گفتی .

سقراط : آثار قانون گذاران گاهی خوب و گاهی بدند ؟

کراتیلوس : گمان نمی کنم .

سقراط : پس باور نداری که بعضی واژه ها خوب یا بدند ؟

کراتیلوس : نه

سقراط: پس همه ی واژه ها و نام ها درست اند ؟

کراتیلوس : لاقلاً همه ی واژه ها و نام های حقیقی چنان اند .

سقراط : نام ها نقش هایی هستند از چیزهایی که با آن ها خوانده می شوند ؟

کراتیلوس : در این تردید نیست

در ادامه بحث سقراط ثابت می کند که قانون گذار که همان واژه ساز است . گاهی می توان اشتباه کند . کراتیلوس هم قبول می کند . سقراط کراتیلوس بر سر اینکه هر واژه برای آن که درست باشد ، لازم است همه ی حرف های اساسی را دارا باشد و بعضی واژه ها ، واژه های اصلی و بعضی مشتق اند ، همچنین ، تصدیق می کنند که ۱-واژه هایی که درست ساخته شده اند تصویر چیزهایی هستند که برای نامیدن آنها بکار می روند و به آن ها شبیه اند ۲-شناختن چیزها از راه واژه ها میسر نیست بلکه هر چیز را باید از راه خود آن چیز شناخت . همچنین شناختن ماهیت چیزها با یاری گرفتن از واژه ها ممکن است و چیزها را می توانیم به یاری یکدیگر بشناسیم.

همچنین قسمت پایانی گفتگوی آنها بر سر نیروی شناسایی چیزها می باشد که ناتمام می ماند و قرار می شود که این نکته بررسی شود و در گفتگوی بعدی تشریح شود .

تحلیل این گفتار:

سقراط با مثال های گوناگون و قیاس آن مطالب با مطالب دیگر ، مطلب جدید را به مخاطب می فهماند و از جزء به کل می رسد .

سقراط با آوردن مثال های متفاوت برای یک موضوع تمام نکات مبهم آن را روشن می کند یعنی با هر مثال یک گوشه ی مبهم موضوع را روشن می نماید .

نکته ی تربیتی : نام هر شخص بر شخصیت فرد تاثیر گذار است .

سقراط هر جایی که حق با او نباشد سخن طرف مقابل را قبول می کند .

سقراط تا مخاطبش در مورد یک مسئله قانع نشده وارد بحث دیگری نمی شود اول او را کاملاً قانع می کند بعد وارد بحث دیگری می شود .